

از لابلای یادداشت‌ها و نیشته‌های روزمره ام

بررسی زمینه‌ها و پژوهش متن ژئوپولیتیکی مشکل کشور ما

آیا کلیه واقعیت‌ها قابل درک پنداشته می‌شوند؟

ظرفیت و محدوده فهم ما و گنجایش واقعیت‌ها

اهمیت درک ما در چه نهفته می‌باشد؟
نحوه برداشت ما از مفاهیم موجود
چگونگی و نحوه شناخت ما
مبانی علمی در اینمورد

بسیاری‌ها چنین می‌پندارند که برخی از آدمیان
حتا از اندیشیدن درمورد بسی از واقعیت‌ها هراس
دارند، چه رسد به اظهار نظر در مورد. بنابراین،
بوضاحت ملاحظه می‌گردد که در باره پاره‌ای
از حیاتی‌ترین مسایل زندگی، برخی نکات متضاد
ارائه گردیده و در عرصه سیاست و زندگی واقعی
به ساده‌انگاری متوسل می‌گردند.

قبل از همه تذکر این مسأله لازمی بنظر می‌رسد که در شرایط کنونی حیات سیاسی، تقریباً هیچ فردی از اعضای جامعه در مخفی نگه‌داشتن واقعیت‌ها از انظار دیگران متوسل نمی‌گردد. گویا همه موارد و کلیه موضوعات ناگفته و ناشنفته، کنون در اختیار همگان قرار داشته و هیچگونه اسراری اصلن وجود ندارد. برو و تماشگر باش. واقعیت‌های زندگی ما را احاطه نموده، اما فقط چیزهایی که به عناوین و اسمای دیگری رمزگذاری شده اند، فقط باید رمزگشایی گردیده تا اشیاء و واقعیت‌های موجود به اسامی منحصر بفرد شان نامیده شوند. از موجودیت مغز انسانی، تفکر انسانی، زمان، مکان و همچنان سایر امکانات و زمینه‌های عملی در زمینه باید یادآوری بعمل آورد. تا زمانی که خود فرد بمنظور دستیابی به مأمول مورد نظر در بکارگیری منابع اطلاعاتی اقدام ننماید، هیچ فرد دیگری به آن اصلن علاقه‌ای نشان نخواهد داد. کشور عزیز ما افغانستان به دلیل موقعیت ژئوپولیتیکی ممتاز، از لحاظ مجاورت با کشورها و رقبای دیروز و امروز ایالات متحده از اهمیت بسزایی برخوردار می‌باشد. ایالات متحده بخوبی توانست مهره‌ای چون افغانستان را انتخاب نماید که علاوه بر شرایط موجود در آن، موقعیت ژئوپولیتیکی و مرزهای آنرا نیز بررسی و نظارت نماید و همچنان بخوبی دریا فت که با تسلط بر افغانستان می‌تواند نفوذ و کنترولش را به کشورهای روسیه، چین و ایران تأمین نموده و بدینگونه مرزهایش را در سرزمین ما بگستراند.

کشوری که بمثابة سرزمینی محصور و محکوم به خشکی مکمل جغرافیایی راهبردی کشورهای همجوارش بوده و همچنان در کنار آن کشوری که خود دارای موقعیت راهبردی باشد، بصورت ناگزیر، بخشی از راهبردهای نظامی بشمار می‌رود، افغانستان نیز از این قاعده‌ای مستثناً نبوده و از چنین پوتانسلی برخوردار بوده است. بدین ترتیب، جاذبه‌های ژئوپو

لیتیکی کشور ما، توجه ابر قدرت ها را از گذشته های دور تا کنون به همراه داشته است. اهمیت افغانستان که در سده های ۱۸ و ۱۹ با رقابت های شدید میان روسیه و بریتانیا در زمانیکه دسترسی هر چه بیشتر به آب های آزاد در چگونگی قدرت کشورها نقش بسزایی ایفا می نمود، اوج گرفت. روس ها در آرزوی دسترسی بر آب های منطقه خلیج و اقیانوس هند بودند و از جانبی هم بریتانیا در تلاش بود تا با جلوگیری از رسیدن روس ها بر آب های یاد شده، تسلطش را بر آب های منطقه متذکره همچنان تداوم بخشد، بنابراین افغانستان به صحنه رقابت های دوحریف قدرتمند مبدل گردیده بود.

در شرایط کنونی نیز، افغانستان در عرصه یاد شده از اهمیت ویژه ای برخوردار می باشد، چون قدرت ها بواسطه حضور در خلیج و اقیانوس هند می توانند بر بخش اعظمی از منابع انرژی دنیا نظارت داشته باشند. لذا در محاسبات بین المللی، نه تنها از اهمیت افغانستان کاسته نشده، بلکه به دلیل افزایش نقش انرژی، این اهمیت بیشتر هم شده است.

نباید فراموش خاطر ما گردد که مردم و باشندگان کشور عزیز ما بمثابة کسانی که بیش از این، چیزی برای از دست دادن ندارند، محسوب می گردند. در همین مورد، "طالب"هایی را در نظر بگیرید که میان هم اختلافاتی دارند. ممکن در اوضاع و احوال موجود، اپوزیسیونی بگونه بی سر و صدا اظهار موجودیت نماید. همچنان این واقعیت را نیز نباید فراموش نمود که در آگاهی جوانان برخی از جوانب مثبت هم به مشاهده می رسد. بنابراین، پیش نویس این دوره بشرح زیر خوانده می شود:

معضله افغانستان در بستر ژئوپولیتیک

در برنامه های ژئوپولیتیک، موقعیت جغرافیایی کشور عزیز ما از اهمیت و جایگاه قابل توجه و منحصر بفردی برخوردار بوده و اما مسأله قابل اندیشه که جای تأمل داشته و از جمله یکی از مشکلات و معضلات رایج محسوب می گردد، بصورت قطع، موجودیت تروریسم می باشد.

قابل یادآوری می باشد که تجارت مواد مخدر و موجودیت تروریسم از مشکلات و معضلات نهایت جدی در کشور ما پنداشته شده که مبارزه جدی علیه آن، امر اجتناب ناپذیر محسوب می گردد. چه در گام نخست، از رهگذر قاچاق و تجارت غیرقانونی مواد مخدر، خطر و تهدید جدی علیه کشور های آسیای مرکزی نیز متوجه می باشد. بمنظور ایجاد وضعیت عادی و بمنظور تأمین انکشاف و ترقی کشور عزیز ما افغانستان، ضرورت آن احساس می گردد تا مشکلات موجود ریشه یابی گردیده و بمثابة یک کل و به مقیاس جهانی، چالش ها و تهدیدات یاد شده رفع گردند.

مطابق اظهار نظر های کارشناسان بسیاری از کشورها، تروریسم و خطرات ناشی از آن بصورت همه جانبه ای بستگی به قاچاق مواد مخدر دارد که اکنون به محلات و مراکز شهر های بزرگ جهان وسیع ره گشوده است. مانور هایی بمنظور منحرف نمودن اذهان عامه توسط ژئوپولیتیسین های ایالات متحده و بسیاری از کشورهای غربی بمنظور مخفی نگهداشتن سیاست های ژئوپولیتیکی و تطبیق کاملن سری آن و استقرار حاکمیت جهانی گروه های تأثیر گذار قومی مالی - صنعتی که نمایانگر دفاع از منافع شرکت ها و نهادهای مالی جهانی بمثابة یک کل می باشد، انجام می گیرد.

فقط با در نظر داشت زمینه وسیع و درک منسجم مفاهیم ژئوپولیتیکی، می توان بصورت مجموعی معضلات موجود در کشور را موشگافی نموده و به دستیابی به رویکردهای مشخص در زمینه برفع کشورهای منطقه نایل گردید.

اهداف اساسی و عمده ستراتیژی ژئوپولیتیکی ایالات متحده و هم پیمانان آن در چه نهفته می باشد؟

تمامی سیاست خارجی ایالات متحده، رویهمرفته و بصورت یک کل، بر زمینه و بستر ایجاد کنترول جهانی بر مسیر های انتقال انرژی و تأمین تسلط غول های نفتی چهارگانه آن کشور یعنی "تکراسو"، "ایکسون موبایل"، "و.پ" و "رویال دچ شیل"، متمرکز بوده است.

مجدد باید خاطر نشان ساخت که تمامی فعالیت ها و تلاش های متذکره، بمنظور نظارت و کنترول بر منابع انرژی و نفت و گاز طبیعی و سایر ذخایر معدنی در جهان، انجام می گیرد. چنین نظارت همچنان با برنامه مشخصی بمنظور تأمین برتری نظامی آن کشور بر منابع عمده تهدید علیه جاه طلبی های جهانی ایالات متحده متمرکز می باشد.

احتمالاً، معاون قبلی رئیس جمهوری ایالات متحده که تقریباً همه امور حکومتی را عهده دار بود، تحقق برنامه های دستیابی برتری ایالات متحده و تحکیم حاکمیت جهانی آن کشور را از طریق نظارت جهانی بر منابع انرژی رویدست گرفت، سیاست های نظامی و انرژی ایالات متحده، بر ستراتیژی سلطه و تسلط بر منابع متذکره متکی بود. نامبرده، عملیات نظامی کشورش را در پانامه و منطقه خلیج رهبری می نمود. همچنان تحت رهبری نامبرده بود که برای نخستین

مراتبه پس از ختم "جنگ سرد"، در مجموعه تعداد قوای مسلح ایالات متحده نیز کاهش بعمل آمد. رئیس پیشین شرکت ها لیبیرتون، محافظه کاران و طرفداران و مسوؤلان ۴۳ - مین رئیس جمهوری ایالات متحده (جورج بوش) را به انجام "مبارزه علیه تروریسم" متقاعد نمود. در آغاز سال های ۱۹۹۰، زمانی که در اداره بوش پدر، چینی سمت وزارت دفاع آن کشور را عهده دار بود، در این زمان رابرت گیتس هم در رأس سیا قرار داشت. با وجود آنکه قضاوت بر اساس فعالیت های ایالات متحده و هم پیمانانش بویژه در آسیای مرکزی در مورد تغییرات بنیادی پیش از موعد تعیین شده در ستراتیژی سیاست خارجی ایالات متحده، باید صورت گیرد، با آنهم، اصول اساسی و قاعده کلی حضور ایالات متحده در آسیای مرکزی در طرح "شرق میانه بزرگ" که در برگیرنده جهان اسلام از افغانستان تا مراکش و همچنان طرح "آسیای مرکزی بزرگ" بمنظور کنترل و نظارت کامل بر مناطقی از روسیه، سایبریا و شمال هند را تشکیل می دهد، گنجانیده شده است. قابل یادآوری می باشد که مفهوم و معنای کلی دکترین آسیای مرکزی بزرگ در امرکمک نمودن به تبدیل کشورها (بمفهوم محدود کلمه) و تبدیل کل منطقه (بمفهوم وسیع کلمه) به منطقه و بصورت یک مجموعه به محل امن و هسته مطمئنی بمنظور تأمین امنیت کشورهای مستقل تضمین، شرایط اقتصاد بازار آزاد و سیستم های مدیریتی سیکولار و نسبتن باز عملی، حقوق شهروندی احترام گردیده و پشتیبانی و حمایت مثبت ایالات متحده را در زمینه با خود به همراه داشته باشد. همچنان در مورد می خوانیم که مشارکت افغانستان و کشورهای همجوار در "آسیای مرکزی بزرگ"، سازماندهی مجدد ادارات ایالات متحده را در قبال اوضاع جدید شکل گرفته و چگونگی وضعیت سیاست خارجی منطقوی ایجاب نموده و سبب تقسیم مجدد جغرافیایی در برخی مؤسسات امریکایی شده و مانع ظهور و پیدایش منطقه آسیای مرکزی بزرگ به محوریت افغانستان می گردد. بنابراین، بویژه در وزارت دفاع و وزارت امور خارجه، پنج جمهوری آسیای مرکزی، همراه با روسیه بمثابه منطقه اروپا - آسیا مسمأ گردیده و کشور عزیزما افغانستان بمثابه بخشی از آسیای جنوبی محسوب می گردد.

چنین تقسیم مجدد از لحاظ عملی غیر قابل تصور پنداشته شده و اصلن نمی تواند پاسخگوی منافع و مصالح کشورهای "آسیای مرکزی بزرگ" پنداشته شود. از جانب دیگر، طرح یادشده در واقعیت امر، مانع همکاری و مناسبات حسن همجواری کشورهای "آسیای مرکزی بزرگ" با سایر کشورهای منطقه نیز خواهد گردید.

تجزیه و تحلیل در مورد یادشده، نشاندهنده این واقعیت می باشد که اهمیت همکاری در امر رشد و انکشاف آسیای مرکزی بزرگ، به رهبری ایالات متحده و بدون همکاری های مشترک روسیه، چین و ایران از اهمیت چندانی برخوردار نخواهد بود. ایجاد طرح "همکاری در امر رشد و انکشاف آسیای مرکزی"، مطابق نظر و مفکوره ستراتیژیست های غربی سبب خواهد گردید تا ایالات متحده نه تنها به تحکیم مواضعش در آسیای مرکزی مبادرت ورزد، بلکه محل متذکره را به منطقه تحت حمایت حفاظتی خویش مبدل نموده و کشور عزیزما افغانستان هم با سرهم بندی نمودن تأسیسات حربی، میدان های هوایی و ایجاد پایگاههای نظامی، بمثابه ژاندارم منطقه مبدل گردد.

نباید فراموش نمود که تحت عناوین مختلف و به بهانه های گوناگون و طرح ادعای مبارزه غرب علیه بنیادگرایی، پایگاههای نظامی امریکایی و ناتو در کابل، کندهار، هرات، شیندند و بگرام ایجاد گردیده که این بعلاوه پایگاههای نظامی مستقر شده در آسیای مرکزی می باشد.

در نتیجه انجام عملیات ضد تروریستی در اراضی کشورما، همراه با از بین بردن مراکز تروریستی از طریق استقرار پایگاههای نظامی، ژاندارم ستراتیژیک بمنظور حفظ منافع غرب در افغانستان ایجاد گردید.

ارتش و نظامیان ایالات متحده و ناتو، امکان وسیع بکارگیری از منطقه یادشده را بمنظور نظارت و کنترل روسیه، چین و ایران و در صورت امکان، استفاده و بکارگیری لوژستیک از منطقه یادشده و انجام عملیات های نظامی حتا در خارج از قلمرو افغانستان و قبل از همه و در دورنما های نزدیک، راه اندازی جنگ علیه ایران را سر و صورت بخشند.

بدین ترتیب، ایالات متحده و ناتو از نقطه نظر ژئوستراتیژیکی به تحکیم مواضع شان در منطقه آسیای مرکزی مبادرت ورزیدند، در منطقه ای که سال ها قبل توسط زیگنوف بریژینسکی بمثابه "مهمترین جایزه ژئوپولیتیک برای امریکایی ها" محسوب گردیده بود.

قابل یادآوری می باشد که در طول مدت زمان "جنگ سرد"، اروپا بمثابه مرزی با فرش سرخ پنداشته می شد. اما اکنون، اروپا برای سیاست های ایالات متحده بمثابه عقب جبهه محسوب می گردد. جبهه ای که در شرایط امروزی به

وضاحت کامل در عمق آسیا بمثابه مرکز جهانی تشنجات ژئوپولیتیکی نقل مکان نموده است.

نباید فراموش نمود که از جانب غرب الی این مرکز، منابع سرشار نفتی ایران و عربستان، وسوسه انگیز می باشد. در نتیجه انجام عملیات نظامی ایالات متحده علیه عراق، منابع نفتی کشور اخیرالذکر تحت تسلط و اداره ایالات متحده قرار گرفت.

بجانب جنوب، قدرت های جدید هستوی ایران و پاکستان در دسر دیگری محسوب می گردند، در شمال روسیه و درنها یت در شرق کشورهای در حال رشد و تقویت روز افزون چین در آینده برای ایالات متحده جای اندیشه و تأمل دارد که به گفته تنوریسین های غربی، به اینهمه توجه لازمی باید معطوف گردد.

در منطقه یادشده، افغانستان، کشورهای آسیای مرکزی، ایالت سینکیانگ چین، کشمیر و غیره با منابع سرشار نفتی اخذ موقعیت نموده اند. کنون دیگر واضح و روشن است که تحت بهانه مبارزه علیه تروریسم در آسیای مرکزی، ایالات متحده و ناتو در اراضی کشور ما به اجرا و تطبیق عملی فعالیت ها و انجام عملکردهای ذیل همت خواهند گماشت:

- تحت نظر قراردادان کلیه فعالیت ها و بررسی چگونگی عملکردها و نحوه تحرکات در کشورهای چینی، روسیه، چین و ایران؛

- انجام اقدامات و تدابیری بمنظور ممانعت و جلوگیری از همگرایی کشورهای آسیای مرکزی؛

- نظارت بر منابع انرژی و ایجاد زمینه های نقل و انتقال آن؛

- تحقق عملی موجودیت حضور ستراتیژیک ایالات متحده در عمق مرزهای چین؛

- تحت تسلط و نظارت قرار دادن ایران "نافرمان"؛

- کمایی نمودن فرصت بمنظور تحریک تصادفات منطوقی و بهانه ای بمنظور آغاز عملیات و اقدامات نظامی جهانی.

قابل یادآوری می باشد که تلاش های ایالات متحده بمنظور تحکیم مواضعش از رهگذر دورنماهای اقتصادی در چنین مناطقی با اهمیت جیوپولیتیکی و جیوستراتژیکی کوهستانی آسیای مرکزی بمفهوم جهانی سازی و ایجاد جهان تک قطبی تلقی می گردد.

به همین منظور، چندی قبل رهبری ناتو اعلام داشت امنیت انرژی که هدف مورد علاقه اش می باشد، بمنظور غنماندی امر متذکره، لازمی می پندارد تا در گفتگوهای مسایل انرژی جهانی شرکت فعال نماید.

رهبری ناتو همچنان اظهار داشت که در صدد عصری ساختن قوت هایش و تجهیز بیشتر آنها به سلاح های پیشرفته بوده و در عرصه های قوت های هوایی، بحری و زمینی نیز به موفقیت هایی نایل گردیده اند. وی همچنان اظهار داشت که مسأله انتقال محموله های مورد نظر از طریق پروازهای بین المللی نیز صورت خواهد گرفت. نامبرده، علاوه بر آن، ادعا نمود که در عرصه دفاع ضدراکتی نیز به پیشرفت هایی نایل گردیده اند.

دوم ماه جون سال ۲۰۱۸